مجلهٔ فکاهی

مُلانصرالدین



سال دوم، شمارهٔ ششم
شمارهٔ سری: ۱۸



مجلهٔ فکاهیِ ملانصرالدین، ارگانِ خبرگزاری فکاهیِ ملانصرالدین

www.mollanasroddin-magazine.ir

این نشریه‌ای تک نفره است. یعنی همهٔ کارهای آن، اعم از نوشته و کارتون و کاریکاتور و ساخت رویه‌های نخت و پایانی و ایندیزاین، همه به دستِ حیدر سهیلی اصفهانی به انجام می‌رسد.


سر و ته مقاله | احمد آقای قاطی پاتی
صفحهٔ سوم


کارتون‌های خارجی
صفحهٔ دوازده


اخبار داخله
صفحهٔ چهار


نامه‌های جنجالی |
صفحهٔ چهارده


هر ماه با دکتر الاغ خرنژاد |
صفحهٔ شش


اخبار خارجه
صفحهٔ شانزدهم


کارتون‌های ملانصرالدین
صفحهٔ هشت


خوشگل الحکایات | اشعر الشعرای یخته دل
صفحهٔ نونزده


گفتگوی ماه | صفا گزارش زاده
صفحهٔ ده



سر و ته مقاله

کرونا جون من بمون..!

آقا از روزگاری که من یادم میاد، هر دولتی اومد سر کار، خواست طبق عقیدهٔ خودش، یک سری اهداف را در ایران اجرا کنه. خب عقیده داشتن که این اهداف می‌تونه ایران رو آباد کنه.

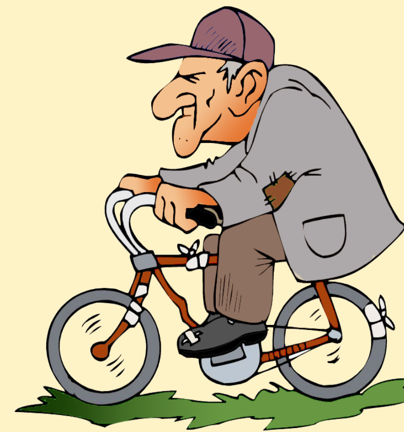
شاه گفت: انقلاب سفید می‌کنم و کلی اصلاحات، جمهوری اسلامی هم گفت: انقلاب اسلامی می‌کنم و کلی اصلاحات... همهٔ این‌ها خب؟

اما همین چند ماهه که کرونا اومده، اگر چه مردم رو عزادار کرده، اما عوضش اهداف دولتی‌ها را از زمان شاه تا حالا، همش رو محقق کرده.

اولا همه را خونه‌دار کرده... همه چپیدن تو خونه. می‌خواد خونه داشته باشه یا نداشته باشه. اگه هم نداشته باشه، رفته دهاتش اون جا تو خونه نشسته.

بعدش، رفاه! رفاه به این می‌گن. هر کی با هر چی داره، خوشه. خوش نباشه می‌باس بمیره.

خرجها اومده پایین!



باید فقط هزینهٔ خورد و خوراکت بکنی و بمونی تو خونه. نه کفش اون چنانی و نه لباس اون چنانی...

اهداف اخلاقی این نظام هم برآورده شده... زن‌های مردپسند و مردهای زن‌پسند که قبلا همدیگه را می‌دیدن، یک وجب زبونش واسه هم در می‌اومد و حالشون بد می‌شد، حالا دیگه همدیگه را که می‌بینن، در می‌رن. زن‌ها عمدا خوشگل نمی‌کنن تا مردها خوششون نیاد و دنبالشون راه نیفتن. حتی زن‌های «اون کاره» هم از مردها می‌ترسن.

نه گشت ارشادی، نه آبجی ارشادی و نه قراره کسی شلاق بخوره... تازه!

تازه‌شم! الکل آزاد شده، تازه ثوابم داره. بخور بزن تو رگ تا روشن شی.



پرستارها برای رعایت حال مریض‌ها قر می‌دن و می‌رقصن. واسه ثوابش..!

می‌گن شادی کنین تا کرونا نتونه حریفتون بشه.

حالا دارن همه قر می‌دن. خانومها و آقایون دست در دست هم آ هی قر بده! کی همچی چیزی بوده؟

همهٔ این کارها، کار کروناست.

ترافیک را یا درست کرد، یا کمترش کرد. مردومو مهربون کرد. کاری کرد که مردم بهداشت رو رعایت کنن. این همه کار رو یه ویروس کرد، بعد چند تا دولت با همهٔ قمپز، فقط وعدهٔ این کارها را دادن و هیچ وقت اجرا نکردن.

به نظر من، بیاین یه کاری بکنیم. یه کسی را پیدا کنیم، بره با کرونا مذاکره کنه. بش بگه کاری با جون مردم نداشته باشه، عوضش دولت بعدی رو خودش تشکیل بده. مملکت را بدیم دست کرونا... تو این چند ماهه عملکردش که بد نبوده.

تازه، من تونستم سکینه را خر کنم که من کرونا گرفتم. بعد یه عمر، الان یه ماهی هست که دارم نفس می‌کشم. دوید رفت خونه ننهٔ خدا بیامرزش. اون جا را تمیز کرد و از من هی فاصله می‌گیره. تازه بش گفتم دانشمندا کشف کردن که کرونا از پشت تلفن هم منتقل می‌شه. می‌ترسه بشم زنگ بزنه خخخخخ!

نه! به نظرم مملکت می‌باس بیفته دست کرونا... اگه اصلا اجازه بده، ما می‌شیم طرفدارش و برای رسیدنش به قدرت، تظاهرات می‌کنیم. والله مملکت رو بهتر اداره می‌کنه.

تا اطلاع ثانوی : احمدآقای غیر قاطی پاتی

احمد آقای کیف لول فعلی

زنگنه: ایران کلا معاف است

وزیر نفت کشورمان اعلام کرد: در جلسهٔ اخیر اوپک برای کاهش تولید، ایران معاف شد.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، او در پاسخ به خبرنگار خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین مبنی بر



این که « از چی چی معاف شدیم؟» پاسخ داد: «از همه چی..!»

خبرنگار ما باز پرسید: «از همه چی، یعنی چی‌چی!؟»

ایشان پاسخ داد: «از کاهش تولید مثلا..!»

-«دیگه چی‌چی!؟»

-«از خود تولید، از صادرات، از واردات، از دارو، از زندگی، از مردن... باز هم بگم!؟»

چقدر عصبانیه! خب سئوال کردیم...

روحانی: یک میلیون بدین یارانه بگیرها بخورن!

رئیس‌جمهوری مملکت اعلام کرد ک هر چه زودتر به همهٔ یارانه بگیرها یک میلیون بدین.



به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، آقای روحانی تاکید کرد که هر چه زودتر، باید این پول به حساب یارانه بگیرها داده شود و بعدا هم باز هم پول بدین.

خبرنگار ما پرسید: جناب رئیس‌جمهوری از کجا!؟ ایشان پاسخ دادند: « از کیسهٔ خلیفه!» باز پرسیدند: «خود خلیفه کجاست؟» جواب دادند: «ایشون فعلا تو کیسه!»

خبرنگار ما جوگیر شدند و پرسیدند: « نه حسن جون! جدی جدی... این پول‌ها بعدا حساب کتاب نداره؟»

ایشان پاسخ دادند: «البته که حساب کتاب داره! حسابش را وراثِ بی‌حساب و کتاب بعد از رفتن ما میدن.»

خبرنگار ما پرسید: «کدوم وراث!؟»

پاسخ دادند: «همون وراثی که در دورهٔ قبل با بولدوزر می‌بردند و ایشان گوشهٔ مجلس خواب بودند و حالا تازه یادش افتاده چیزی به نام حساب و کتاب هست. ما هم مثل قبلی بی‌حساب و کتاب از جیب خلیفه می‌بخشیم تا نام نیک از خود بر جای بگذاریم... البته از کیسهٔ خلیفه! بعدا ایشان برونه از بولدوزرها حساب کشی کنند.»

صندوق بین المللی پول اعلام کرد: پولتان در راه است

صندوق بین‌المللی پول در اشاره به نامهٔ رئیس بانک مرکزی کشورمان دربارهٔ وام گفت: پول ایران هنوز بارگیری نشده است.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، رئیسشون در پاسخ به سئوال خبرنگار ما که «پس چی شد!؟» پاسخ داد: «مرد حسابی! صحبت پنج میلیارد دلار پوله، حواست هست!؟ اولش که باید همه باید موافقت کنند و مهر و امضا کنند تا مجوز پرداخت بگیریم. تازه مکافات شروع می‌شه...»

خبرنگار ما گفت: «مکافات!؟ آهان، تازه می‌رسیم سر جای اولمون! بگرد بانکی را پیدا کن که حاضر بشه با ایران کار کنه و پولش را جا به جا کنه.»

رئیسشون پاسخ داد: «نه! اون که حله..!»

-خبرنگار: «یعنی چی حله؟ یعنی بانک پیدا کردین؟»

- رئیسشون: «نه دیگه! از اون نظر حله که خیالمون راحته، هیچ بانکی نیست.»

-خبرنگار: «آهان از اون نظر! پس دیگه مشکلتون چیه؟»

- رئیسشون: «پیدا کردن وسیلهٔ نقلیه که حاضر بشه این پول را بییره مملکتتون.»

-خبرنگار: «زکی! خب اون از نظر ما حله... خودمون وسیله می‌فرستیم.»

- رئیسشون: «کدوم وسیله؟ وسیلتون کجا بود؟ همهٔ شرکتهای حمل و نقل ایران تحریمند. خیال کردی ما حاضریم خودمون را درگیر تحریم‌های آمریکا بکنیم.»

-خبرنگار: « حالا این حرف‌ها را ول کن. پول کجاست؟ پولو کی میدی؟»

- رئیسشون: « درگیر فقط یک امضاییم. یارو امضا کنه، حله!»

-خبرنگار: «یارو دیگه کیه!؟»

- رئیسشون: «دونالد ترامپ..! تو که نمی‌خوای شتیل سالانهٔ صندوق را قطع کنه..!؟»

معتادان هم از مزایای کرونا برخوردار می‌شوند

طبق آخرین تصمیمات برای مبارزه با کرونا، مقرر شد معتادان هم از سهمیهٔ الکل کرونا برخوردار شوند.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، این تصمیم اخیرا در ستاد مبارزه با مثانول خواران کرونایی اتخاذ شد تا برای مشروب‌خوران دائم الخمر، سهمیهٔ الکل هفتاد درصد در نظر گرفته شود. به شرط آن که بخشی از آن را به سر و بدن خودشان هم بکشند.

این تصمیم برای جلوگیری از خوردن مثانول اتخاذ شده است. آخه الاغ مثانول می‌خورن؟ ببخشید کنترلم را از دست دادم.

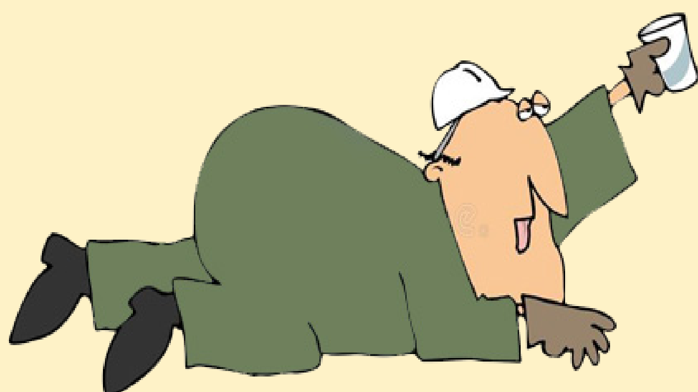
رئیس ستاد که مست و ملنگ بود، خطاب به خبرنگار ما گفت: «داداش خیلی جیگری..!» اوه، ببخشید، منظور ما این بخش نبود. او پس از دو تا سیلی جانانه، در پاسخ به خبرنگار ما که از او نام و مقامش را پرسید، گفت: «من یه پرنده‌ام، آرزو دارم که یارم باشی!»

در نهایت، نفهمیدیم نامش چیست، اما در پاسخ به پرسشی دربارهٔ علت این تصمیم گفت: «ببین! هوع! کسی که الکل هفتاد شتیل بزنه، عنشم هم ضدعفونی می‌کنه. تو راهی؟ یعنی حواست هست؟»

خبرنگار ما پاسخ داد: «داداش تو راهم، اون هم چه جورم. بزن تو رگ که باهاتم!»

خبرنگار ما فعلا در بخش آی سی یو بستری است. تنظیم خبر هم افتاد گردن من بدبخت!





هر ماه با:

دکتر الاغ خرنژاد

– سلام استاد، سئوال اولم خیلی ساده است: چه اتفاقی داره تو دنیا می‌افته؟ تو دنیا چه خبره؟

• خبری نیست؟ شما آدم‌ها فقط فقط تو آینه نگاه کردین. خودتون رو همون طور که هستین دیدین.

– یعنی چی استاد؟ خودمون رو در آینه دیدیم؟

• بعله! ببین تا حالا هر گندی در دنیا می‌زدین، کم کم بود. نه یعنی حتما خیلی کم و بیش، بلکه می‌تونستین جلوی تلویزیون دراز بکشین، مشکلات بقیه را ببینین و زیر لب بگین: "نچ نچ نچ!" بعد هم بدون تعارف اصلا براتون مهم نبود. گور پدرشون! دارن در یک کشور آفریقایی جنگ زده می‌میرن! مثلا نیجریه! یا در یمن دارن از بمباران و گشنگی هم زمان می‌میرن... اما حالا چی؟ هر بلایی که سر مردمی دیگه در کشوری دیگه می‌آد، سر شما هم داره می‌یاد.

– جالبه من تا حالا از این زاویه ندیده بودم.

• بعله! پس حالا زحمت بکش و ببین! یه زمانی از مردم آمریکا می‌پرسیدن که آیا می‌دونین در عراق چه اتفاقی داره می‌افته؟ می‌گفتن: عراق دیگه کجاست؟ به مردم عربستان می‌گفتن: می‌دونین هواپیماهای شما دارن مردم یمن را قتل عام می‌کنن؟ جواب می‌دادن تا چشمشون کور بشه. از مردم ایران می‌پرسیدن: در افغانستان بمبگذاری و کشتاره. می‌گفتن: ما خودمون کم مشکل داریم که حالا بخوایم به افغان‌ها فکر کنیم. اما حالا وقتی در تلویزیون می‌بینی که مردم آمریکا یا اروپا یا چین و یا جای دیگه مبتلا به ویروس کرونا شدن و دارن می‌میرن، نه نچ نچ می‌کنی و نه می‌تونی بگی گور پدرشون، چون سرت را از پنجره بیرون ببری و پوزه‌بند نبسته باشی، دقیقا می‌شی یکی از همون‌هایی که در تلویزیون دیدی..!

– خب نتیجه..!

• هیچی..! بالاخره پس از هزاران سال نبرد بشریت برای تحقق عدالت اجتماعی، این آرمان محقق شد. همه حالا با هم برابرن. کیف نمی‌کنی؟

– نه که کیف نمی‌کنم! گور پدر همچی عدالت اجتماعی..! مگه عدالت اجتماعی نبود؟

• ده نشد! ده نشد! ببین! قبلا هم بود. اما فقط برای عدهٔ خاصی... مثلا عدالت اجتماعی برای تو محقق می‌شد، اما برای دیگری نبود. دنیا را جوری چیده بودند که تحقق عدالت اجتماعی برای عده‌ای به معنی اون بود که عدهٔ دیگری عدالت اجتماعی نداشته باشند. حالا چشمتون کور همتون عدالت اجتماعی دارین. مثلا تا همین چند وقت پیش! آقایون اتو کشیده، خانمهای با کلاس برند پوشیده، به مستمندان و فقیران سر می‌زدن و کمک می‌کردن. یخته کمک در ازای آبرو..!

– یعنی چی!؟

• یعنی هیچی! فقیر بی‌چاره که آبرو اصلا به دردش نمی‌خورد، با پرچم شدن خشتکش در رادیو و تلویزیون و هر جا که بشه عکسش را زد، آبروش را می‌داد به اون آدم‌های با کلاس و در ازاش چیزهایی می‌گرفت که شاید برای یک ماه زندگیش هم کافی نبود. اما حالا اگه اون آدمهای باکلاس جرات دارن، برن به مردم فقیر سر بزنن. چی می‌شه؟

_ هیچی کرونا می‌گیرن!

• ای بنازم! یعنی دیگه تبادل آبرو با جنس نیست. بهشون سر می‌زنی و در عوضش با هم تبادل عدالت اجتماعی می‌کنین. یعنی کافیه بهش سر بزنی تا همشأن و هم درد و هم بدبختیش بشی. یعنی دقیقا می‌شی عین اون..!

– یعنی یک فسقل ویروس کاری کرد که عدالت اجتماعی به بهترین حالتش برپا بشه. حالا این چه ربطی به آینه داره؟

• ضعفتون را دیدین..! در آینه واقعیت خودتون را دیدین. فهمیدین به رغم اون همه عر و جری که دارین، هیچ گهی نیستین. سال‌های ساله که هر غلطی دلتون خواسته کردین. طبیعت را به گند کشیدین. هوا را خراب کردین. آب یا نیست یا آلوده است. نظم آب و هوایی زمین را به هم ریختین. بعد چی شد؟ طبیعت فقط یک سرباز صفر سادهٔ خودش را به جنگتون فرستاد. شدین اینی که می‌بینین... یه مشت ترسوی بزدل که نمی‌دونین از کجا دارین می‌خورین.



– حالا استاد، راه مقابله چیه؟

• چرا می‌خواین مقابله کنین؟ ویروس به این خوبی؟ چرا می خواین از بینش ببرین؟

– استاد شوخی نکن، داره نابودمون می‌کنه.

• کجا نابودتون کرد؟

– فقط در آمریکا، چهل، پنجاه هزار نفر را تا الان که داریم مصاحبه می‌کنیم، نابود کرده...

• قبلا آمریکا بیشتر کشته نداشت؟ در همین مدت، خیلی‌ها می‌مردن. مثلا از خودکشی! اما حالا خودکشی کم شده. چرا؟ چون تازه ارزش زندگی را فهمیدن. از تصادف به دلیل رانندگی عین دیوونه‌ها... اما حالا فهمیدین، زندگی خودتون و دیگران چقدر ارزش داره. این کوچولو داره درستون می‌ده. تازه این طفلک، کارهای بزرگی براتون کرده. قبلا عین یک احمق بزرگ بمب های کشتار جمعی می‌ساختین و بعد آزمایش می‌کردین. انگار زندگی اصلا ارزش نداره. برای رساندن دیگران به مرگ با هم مسابقه می‌گذاشتین. مثلا برای فروش اسلحه... چرا؟ چون قرار نبود که این مرگ نصیب خودتون بشه. حالا این کوچولو اومده و داره هشدار می‌ده. داره می‌گه: وضع آب و هوایی زمین را به هم زدین، همین مرگ دست جمعی میاره. لایهٔ اوزون را سوزوندین، همین سرطان‌های وحشتناک آورده. غذاهای پر کالری احمقانه می‌خورین که اصلا ربطی به سوخت و ساز بدن شما نداره، کلی دارین به این سبب می‌میرین. اگه می‌خواین بمیرین، خب پس چرا نمی‌ذارین من بیام و در یک اپیدمی گسترده، خودم حسابتون را برسم. به محیط زیست هم آسیبی نمی‌رسه. چطوره؟ پیشنهاد خوبی نیست؟

– حق با کروناست. حرف حساب جواب نداره... پس بذار بکشه! اما یعنی شما نقش آدم‌ها را در شکل‌گیری این ویروس نادیده می‌گیرین؟

• به هیچ وجه! در کدام بلای خانمان برانداز طبیعی، قبلش آدم‌ها کرم نریختن؟ تسونامی یادت می‌آد؟ آب شدن یخ‌های قطبی، کشتار در جهان بر اثر قحطی و گرسنگی؟ کدومشون کار شما نیست؟ طبیعت که مرض نداره! کرمهایی که در طبیعت زندگی می‌کنند، با کرم‌هایی که آدم دو پا می‌ریزه خیلی فرق دارن. کرم‌های طبیعت با خیال راحت و آرام مثل دیگر جانوران زندگی می‌کنن، اما کرم‌های روده‌های آدمیزاد، دوست دارن بیرون از این روده‌های در هم پیچیده خودی نشون بدن. می‌دونی می‌خوان به ما بگن؟ می‌خوان به ما بگن: یه خانم ویروس خوشگل طبق استاندارد ویروس‌ها هست که داشت در بدن خفاش زندگی می‌کرد، بعد یک پسر ویروسهٔ مار چینی از راه می‌رسه و تا ویروس خفاشی رو می‌بینه گلوش گیر می‌کنه و با خودش می‌گه جون، بعد سر گذر یه جای تنهایی ویروس خفاشیه را خفت می‌کنه. ویروس خفاشیه کلی گریه می‌کنه و بعد ویروس مار چینی خجالت می‌کشه و ازش خوستگاری می‌کنه و به عنوان مهریه بهش عنصر آدم می‌ده و بعد یک کوچولوی ناز به دنیا میاد که به سبب عنصر انسانی تاج‌های قشنگی داره، اسمش را می‌ذارن کرونا..! بعد قراره ما این «خانوم بازی ویروسی» را به عنوان یک قضیهٔ علمی قبول کنیم.

_ خب شما می‌تونین یک قضیهٔ علمی دیگه به ما بگین که این قدر +۱۸ نباشه؟

• مثل این که تو از این قضیه زیاد بدت نیومده، اما واقعیت خیلی ساده است. از زمانی که قدرت‌های بزرگ مجبور شدن کنوانسیون ژنو را برای خودداری از کاربرد سلاح‌های میکربی امضا کنند، گویی به چشم خویشتن دیدن که جانشان می‌رود. یک سلاح خوشگل داشتن که نه جایی را می‌سوزوند و نه شهری را کلا از نقشهٔ زمین پاک می‌کرد. خیلی تمیز مردم اونجا را می‌فرستاد زیر زمین... بعد هر چی اون بالا مونده بود، عین هلو که می‌ره تو گلو برای صاحبان جدید باقی می‌موند. اما چرا امضا کردن؟ چون هنوز تکنولوژی کاربرد سلاح‌های میکربی پیشرفته نبود. دیگه حتی این ننه مرده صدام تکریتی هم دختر عمه‌اش را می‌فرستاد غرب تا یاد بگیره چطوری می‌شه بیماری سیاه زخم را به شکل یک بمب میکربی رو ایران انداخت. اما حالا دیگه وضع فرق می‌کنه. می‌شه ویروس‌هایی ساخت که ننه بابای خود ویروس هم دیگه اونها را نشناسن. با این وصف، حالا می‌شه از این تکنولوژی جدید دل کند؟ البته که نه! مصداق همون ضرب مثل قدیمی ایرانی: «اوستا عَلَم! کوفت ورم..! زری که نبود توی عَلَم!»

– استاد، پس به این ترتیب تا کرونا نرفته، برم خودمو بهش معرفی کنم. از شما خوانندگان ارجمند خداحافظی می‌کنم.

JUST CALL ME

خبرگزاری فکاهی
ملانصرالدین
حیدر سهیلی اصفهانی

Sohaili Esfahani

العملة الجديدة في العراق

وكالة ملانصرالدين للأنباء الهزلية





گفتگوی ماه

شنیدی..؟

از این شماره می‌خوام ستونی درست کنم به اسم شنیدی؟ چون مصاحبه‌ها بالا زده و من دارم ده‌مده می‌شم. بد نیست! هر بارسوژه‌ای را انتخاب می‌کنم و یک گفتگوی خودمونی راه می‌ندازم. سعی می‌کنم مسائل داخلی باشه.

صفا گزارش‌زاده



– شنیدم یه چند وقتیه لولهٔ گاز ایران به ترکیه قطعه..!

• واسه چی؟

–می‌گن مخالف‌های ایران منفجرش کردن.

• منظورشون پ ک ک و پ ژ ک... همون جماعت ضد ایران؟

– نه بابا، اگه اون‌ها بودن که تا حالا ارتش ترکیه شیشلیکشون می‌کرد.

• پس کی!؟

– والله سازمان اطلاعات ترکیه می‌گه، نمی‌دونیم.

• آره!؟

– چی بگم والله!

• خب حالا چرا تعمیرش نمی‌کنن ؟

–والله یک بار می‌گن امکانات نداریم. یک بار هم کرونا! یک بار دیگه..!

• شنیدم این اواخر هم رفتن با جمهوری آذربایجان و روسیه برای خرید گاز قرارداد بستن...

– خب آره! خرید گاز ما را هم خیلی کم کردن...

• بعد لوله را منفجر کردن که مثلا دیگه نمی‌خوایم... مگه بطری آبجوه که تموم بشه بزنن زمین؟

– نه! خیال بد نکن. طفلکی‌ها خجالتین، روشون نمی‌شه که همین جوری قطع کنن.

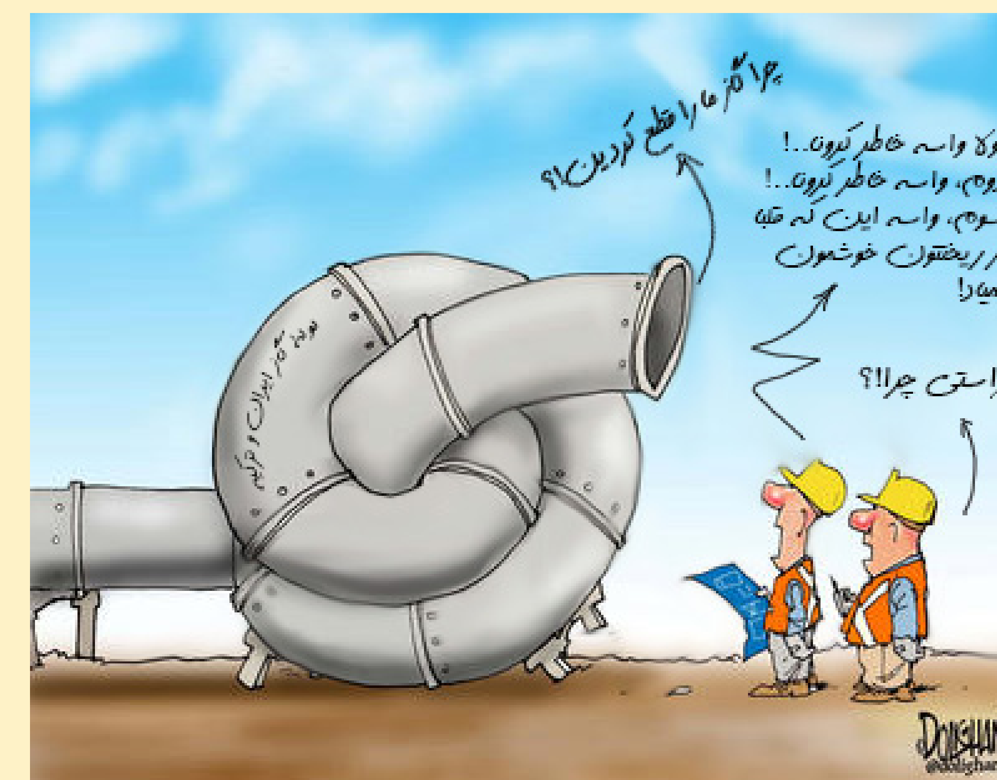
• یعنی تو رو دربایستی با ما گیر کردن؟

_ با ما!؟ این روزها کسی با ما رو در بایستی نداره. همه با ما راحتن... سگ‌های ولگرد هم برای قضای حاجت، لنگشون رو به طرف ما بالا می‌گیرن.

• پس چی؟

– تو رو دربایستی با بقیه گیر کردن. رو دربایستی با آمریکا برای بهبود روابط... می‌دونی که سر سوریه با هم سرشاخ شدن، سر ایران امتیاز دادن. رودربایستی با اسرائیل برای بالا نگرفتن تنش... بلاخره اسرائیل با حماس سرشاخه و حماس هم مثل اردوغان اخوان المسلمین، فلسطینه. رودربایستی با جمهوری آذربایجان، اون هم بعد از اون همه شعار پان تورکی و برادری و تخفیف‌های ویژه... رودربایستی با قطر، چون ایران داره از همون حوضهٔ مشترکی به ترکیه گاز می‌فروشه که قطر هم سهم داره... رودربایستی...

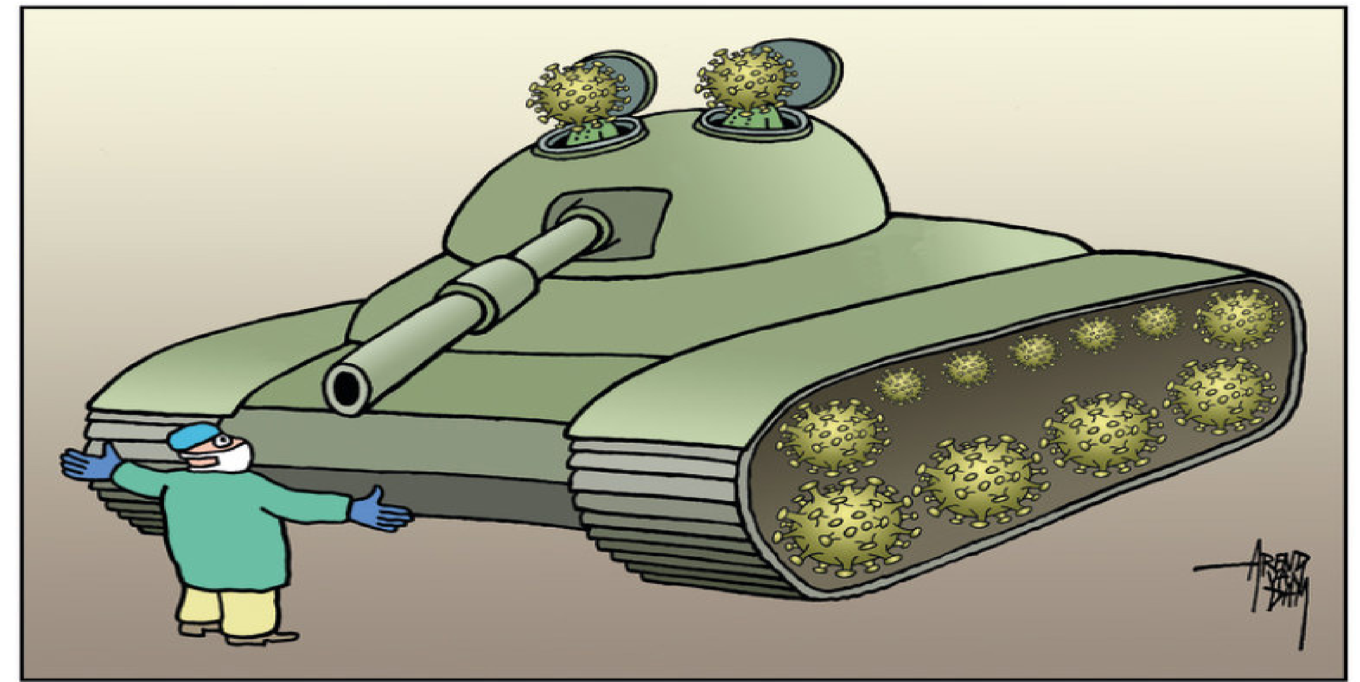
• طفلک ترکیه! کاشکی عوض این دیوونه بازی‌ها، به خودمون می‌گفت. ما خودمون فلکه را می‌بستیم. ببین بی‌چاره این همه مدت چقدر از در و همسایه به خاطر ما خجالت کشیده...



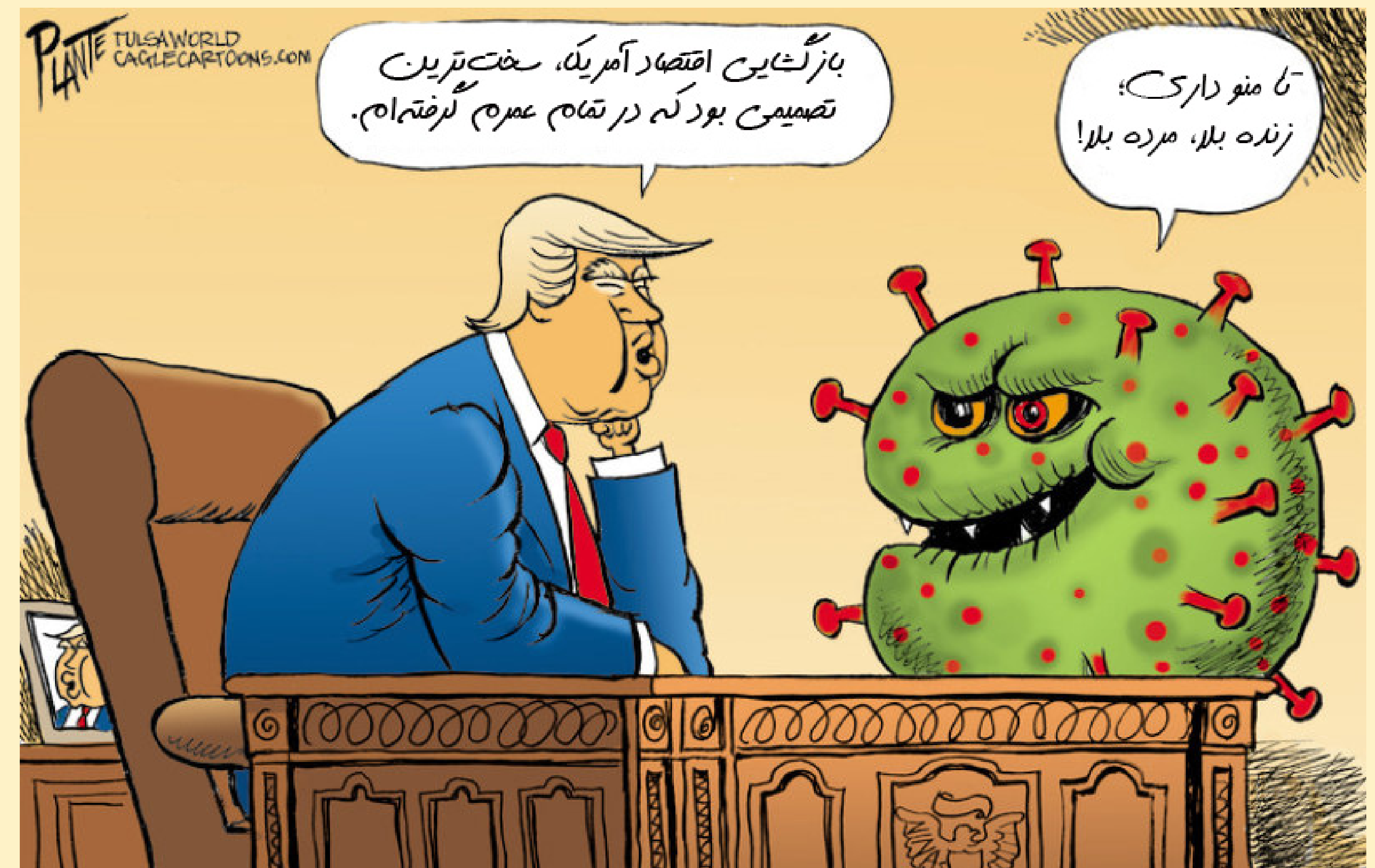
کارتون برگزیدهٔ ایرانی



تاثیر بحران کرونا بر اقتصاد آمریکا- علیرضا پاکدل، خبر اون لاین



آرند وان دام، کاگل کارتون



بروس پلانت- کاگل کارتون



کوین سی یرز- کاگل کارتون



یاسین خلیل، روزنامهٔ الوطنِ عمان

نامه‌های جنجالی

درگذشتهٔ سبک زیبایی بود که برای بررسی مواضع واقعیِ شخصیت‌ها و سیاستمداران کشورها به نقل از آنان نامه‌ای می‌نوشتند و به جای مواضعِ اتوکشیدهٔ آن‌ها منتشر می‌کردند. گاهی مردم عادی باور می‌کردند که فلان سیاستمدار، چنین نامه‌ای نوشته است و علت اصلی این باور عموم آن بود که مفاد نامه، به مواضع شناخته شدهٔ او بیشتر از سخنان شیک و فریبنده‌اش شباهت داشت.

گاهی هم نویسنده آماتور بود و به شدت تحت تاثیر تصور خودش از دیگران و محصولات بی‌ربط و ضعیفی را می‌آفرید. نامهٔ چالی چاپلین به دخترش، نمونهٔ بارز این گونه آثار است که در اصل، در تهران و به دست یک ایرانی مسلمان نوشته شده بود و سبب شد خیلی‌ها خیال کنند که چالی چاپلین مسلمان شده است.

من تا به حال ندیده‌ام که کسی این سبک را وارد طنز کرده باشد و اگر کسی باشد تعجبی نمی‌کنم، چون این سبک، زمینهٔ بسیار مناسبی برای طنز دارد.

در این هفته، بیایید با هم تصور کنیم که اگررئیس‌جمهوری آمریکا در این شرایط دشوار، بخواهد برای ملت خود نامه بنویسد، چه خواهد نوشت؟

نامهٔ دونالد ترامپ به ملت آمریکا

یه مدتیه که خیلی نگرانم. نه این که نگران باشم که اتفاقی براتون بیفته، نه! بلاخره، هر کی باید بمیره. من هم قبلا بهتون گفتم، قاعدتا بر اثر ابتلا به ویروس کرونا، بین یک تا دو میلیون باید بمیرن. حالا اگه موضوع با مرگ دویست هزار نفر ختم به خیر شد، ما باید جشن بگیریم. بهتون قول می‌دم یک جشن ملی بزرگ می‌گیریم که با تجدید انتخاب من هم همراه می‌شه. چقدر رویایی! فقط دویست هزار مردن، در عوض من دوباره رئیس‌جمهورتون هستم.

پس نگران این موضوع نباشید، چیزی که باید نگرانش باشید، این که من دوباره رئیس‌جمهورتون نباشم. می‌فهمید که چه ضربهٔ بزرگی می‌خورین؟ حتی تصورش هم خیلی دردناکه و من مطمئنم که شما همین الان که من گفتم، دردش را در عمق سینه‌هاتون حس کردین. البته زن‌ها باید عمیق‌تر برن داخل تا احساسش کنن.

تا همین یکی، دو هفتهٔ قبل، امیدوار بودم، ساندرز رقیبم بشه. کلی اتهام براش آماده کرده بودم. دفعهٔ قبل گفته بودم که سوسیالیسته، اما این بار می‌خواستم بگم که کمونیسته و می‌خواد آمریکا را زیر نفوذ چین ببره. حالا چرا چین و نه روسیه؟ چون خودم در انتخابات قبلی از کمک روس‌ها برخوردار بودم. کافیه کلمهٔ روسیه از دهنم بیرون بزنه، تا همتون عین خر بهم بخندین. مرض! مگه خنده داره؟

اما حالا کی اومده؟ اوبامای سفید پوست... نه می‌شه بهش گفت کاکاسیاه تا کوکلاس کلان‌ها خوششون بیاد و نه می‌شه به نافش مسلمون بودن را بست تا یهودی‌ها و مسیحی‌های انجیلی خوششون بیاد. این یکی کلی شرایط برای بردن انتخابات داره و ممکنه شما از وجود من محروم بشین. واقعا در این شرایط می‌خواین چه کار کنین؟

من شبانه روز، دارم براتون دعا می‌کنم که این اتفاق براتون نیفته. وقتی من دعا می‌کنم، خدا قطعا گوش می‌کنه، پس خیالتون راحت باشه. اون با افتخار دعای منو اجابت می‌کنه.

اما شما یه مشکل کوچیکتر هم دارین. همین کرونای لعنتی که طرف بازنده اصرار داره موعد برگزاریش را عقب بندازه. همین نشون می‌ده که اون‌ها، یعنی دموکرات‌ها مطمئنن در انتخابات شکست می‌خورن. همین حالا متوجه شدین که خدا هم از من حمایت می‌کنه، پس این‌ها به چه امیدی می‌خوان در انتخابات شرکت کنن؟ هیچی! به امید کرونا..!

به شما می‌گن که اگه من اون طرح مسخرهٔ اوباما یعنی تامین درمانِ «اوباما کِر» را لغو نکرده بودم، حالا خیلی از کسانی که بر اثر کرونا مردن، زنده بودن و حتی ممکن بود که میزان ابتلا اینقده زیاد نباشه. ترا خدا نخندین حواسم پرت می‌شه... خیلی خب، اگه دوست دارین بخندین، من کمی صبر می‌کنم... خیلی خب دیگه بسه! گفتم بسه!!!

حالا بهتر شد!

دیدین خودتون اول از همه از این استدلال خندتون گرفت. پس من دیگه چی بگم؟ من که دلیل نمی‌خوام، اما برای اون‌هایی که دلیل می‌خوان یک دلیل خیلی محکم می‌یارم: «مگه ما اجازه می‌دادیم

که تامین درمان اجرا بشه؟ اون روز لغو نمی‌شد، یک روز دیگه لغوش می‌کردیم. پس چطور انتظار دارین که تامین درمان اوباما می‌تونست جلوی کرونا را بگیره؟» من مطمئنم که این دلیل دیگه همهٔ مردم آمریکا را متقاعد کرد.

اون‌هایی که دارن این حرف‌ها را می‌زنن، می‌دونین مشکلشون چیه؟ مشکلشون اینه که من به مردم آمریکا کمک کردم و میزان مرگ و میر را خیلی خیلی کاهش دادم. مردم دیگه مسافرت نمی‌رن، رستوران نمی‌رن، پرخوری نمی‌کنن، نظافت و پاکیزگی را رعایت می‌کنن. کلی الکل می‌خورن و می‌ریزن رو چیزاشون... یعنی دستاشون.

حالا کلی مرگ و میر از بابت کاهش تصادف و



چاقی مفرط کم شده، اما هر چی می‌گم که این آمار کاهش مرگ و میر از بابت علل دیگه را از میزان مرگ و میر بر اثر کرونا کم کنن و بعد آمارها را اعلام کنن، کسی زیر بار نمی‌ره. چرا!؟ چون در آن صورت آمار خیلی کم می‌شد. آمار کشت و کشتار بر اثر تیراندازی به سبب بدمستی در کافه‌ها را هم در نظر بگیرین. زن‌هایی که به دلیل خانوم‌باز بودن شوهراشون، اقدام به قتل اون‌ها می‌کردن. خب حالا دیگه شوهراشون در خونه موندن و دیگه همه از زن‌های کاسب می‌ترسن. یعنی زن‌های کاسب هم از مردها می‌ترسن. من از کلیسا می‌خوام، به علت حمایت از خانواده، حمایت کامل خودشو از من در انتخابات اعلام کنه.

بعضی‌ها هم منو متهم کردن که ویروس کرونا را من ساختم. واقعا احمقانه است. من تا حالا در تمام عمرم یک نیمرو هم نپختم. چطوری ویروس بپزم؟ اما شاید مایکی خیکی (پمپئو) خبر داشته باشه. اون تموم کارهای آشپزخونه را خودش انجام می‌ده. حتی ظرف‌ها را هم خودش می‌شوره. زنش هر بار ظرف‌ها رو شسته، اون روز پستش را در اینستاگرام گذاشته. سر جمع، از پارسال تا حالا سه تا پست این جوری گذاشته.

می‌دونم برای تعطیلات طولانی که بهتون دادم، خیلی خوش‌حالین و از من تشکر می‌کنین، اما دیگه بسه برگردین سر کارهاتون. چون، ادامهٔ این وضعیت باعث می‌شه که دیگه نشه مبارزهٔ انتخاباتی انجام داد. این جوری خیلی بده و من می‌دونم شما هم ناراحتین.

بعلاوه، من داروی کرونا را اعلام کردم. البته دموکرات‌ها جلوی این دارو را گرفتن و نمی‌ذارن که شما بخورین تا بتونیم ظرف یک هفته جلوی کرونا را بگیریم و بریم سر انتخابات. به شما تاکید می‌کنم: داروی هیدروکسی کلروکین که شرکت من در آن سرمایه‌گذاری کرده، خیلی خیلی مؤثره. هر وقت دلتون خواست کلی بخورین. زیاد زیاد بخرین و حتی اگه کرونا ندارین، برای جلوگیری از ابتلا بخورین. خیلی خوبه! من سپردم که بهش اسانس هم بزنن. مردم اسانس توت فرنگی و موزش را خیلی دوست داشتن و حالا نایاب شده. من بهشون گفتم فعلا بذارین تا اسانس نعناع و خیارش تموم بشه و سری بعد، کلا اسانس موز و توت فرنگی بهش بزنن.

سازمان بهداشت جهانی که هم‌دست چینی‌هاست و ما اسنادی داریم که همراه چینی‌ها این ویروس را ساختن و قبلش هم قصد ترور منو داشتن، سعی داره که داروی هیدروکسی کلروکین منو خطرناک جلوه بده. من بودجه‌شون را قطع کردم و تا وقتی به ما هم یاد ندن که چطوری این ویروس را بسازیم، بهشون بودجه نمی‌دیم. مایکی خیکی هم نیششو ببنده!

همان طور که فهمیدین و از قبل هم می‌دونستین: این یک توطئهٔ جهانیه که می‌خواد از تجدید انتخاب من جلوگیری کنه، اما شما با خوردن زیاد زیاد هیدروکسی کلروکین، می‌توانین توطئهٔ اون‌ها را نقش بر آب کنین و بعد بیاین و به من رای بدین. هر کی ده بسته بخره، یک بسته مجانی می‌گیره.

فعلا من کار دارم، اگه وقت کردم بازم براتون نامه می‌نویسم.

دونالد ترامپ، رئیس جمهوری ایالات متحده

اخبار خارجه

پمپئو: تحریم تسلیحاتی ایران تا ساخت بمب اتمی

وزیر امور خارجهٔ آمریکا، از شورای امنیت سازمان ملل خواست تا موفقیت ایران در تولید بمب اتمی، تحریم تسلیحاتی این کشور ادامه یابد.



به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، مایکی خیکی معروف به پمپئو تاکید کرد: «دستاوردهای آمریکا در محاصرهٔ تسلیحاتی ایران در طول چهار دههٔ گذشته بسیار مؤثر و تاثیرگذار بوده است. در حالی که پس از خروج مستشاران آمریکایی از ایران، آن‌ها برای راه‌اندازی تسلیحات آمریکایی‌شان، اقدام به اختراع مجدد بسیاری از فن‌آوری‌های موجود کرده‌اند، اما پس از آن که فهمیدند این فن‌آوری‌ها قبلا اختراع شده است، دماغشان سوخت و ما خیلی بسیار خندیدیم. حالا آن‌ها خیال می‌کنند که در حال اختراع بمب اتمی هستند و نمی‌دانند که قبلا ما، نه تنها، آن را اختراع کرده‌ایم، بلکه روی دو شهر ژاپن هم آزمایش کرده‌ایم. لذا اگر شورای امنیت، تحریم بین‌المللی تسلیحاتی ایران را بشکند و اجازه دهد که برای دفاع از خود جنگ‌افزار بخرد، آن‌ها پروژهٔ ساخت بمب اتمی را کنار می‌گذارند. فکرش را بکنید، روزی که بمب اتمی خودشان را در کویر لوت آزمایش کردند، ما به آن‌ها زنگ می‌زنیم و با رها کردن چند فقره شیشکی، به آن‌ها اطلاع خواهیم داد که این سلاح هم قبلا به دست ما ساخته شده بود. فکرش را بکنید که چقدر خواهیم خندید. حالا به نیابت از عمو دونالد و بی‌بی نتانی، خواهش می‌کنم ما را از اینقده خنده محروم نکنید.»

شورای همکاری خلیج فارس: شبکهٔ امن غذایی قشنگه!

اعضای شورای همکاری، دربارهٔ خوشگلیت عبارت «شبکهٔ امن غذایی» به توافق رسیدند، اما قطر هنوز



سوسه می‌دوانند.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، محمد بن سلمان، ولیعهد عربستان، سوسه‌دوانی قطر را دربارهٔ خوشگل بودن عبارت «شبکهٔ امن غذایی شورای همکاری» نمونهٔ آشکار خیانت قطری‌ها دانست و گفت: "اسم به این خوشگلی چشه که این قطری‌ها کرم می‌ریزند و نمی‌ذارن تصویب بشه؟ بهونهٔ الکی آوردن که ضمانت اجرا نداره و اصلا چطوری درستش کنیم. چی کار به این کارا داری آخه؟ ما از چهل سال پیش تا حالا یاد گرفتیم که اول اسم را تصویب و سعی می‌کنیم یه اسم خیلی خوشگل براش انتخاب کنیم. مثل «سپر جزیره»! به‌به! چه اسم قشنگی! حالا درسته که هیچ وقت امکان اجرا پیدا نکرد، اما حالا وقتی کسی می‌خواد مقاله بنویسه که «این طرح امکان اجرایی شدن را نیافت»، اگه ازش بپرسین کدوم طرح؟ می‌گه: «سپر جزیره»!"

او سپس، با دهانش صدای یک موسیقی حماسی را درآورد و ادامه داد: "حالا در زمینهٔ اجرا! این که کشورهای ما بیابانیه، آب نداریم، تصفیهٔ آب گرون تموم می‌شه، سعی می‌کنیم کشت و کار کنیم و بعد می‌بینیم قاچاق سبزیجات و میوه از ایران و عراق و پاکستان، اصلا امکان اجرای طرح را گرفته، آخرش هم طرح را پس از هزینه‌سازی چند میلیارد دلار کنار می‌ذاریم. حالا اگه کسی خواست مقاله بنویسه که چی شد این طرح به فنا رفت، یه اسم خوشگل داره: «شبکهٔ امن غذایی!»"

بی‌بی نتانی، گوترش را به ضعف نسب شناسی متهم کرد

نخست وزیر اسرائیل، دبیرکل سازمان ملل را متهم



کرد که از نسب شناسی و توالی نسب شناسی هیچ نمی‌داند.

به گزارش خبرگزاری‌فکاهی ملانصرالدین، بی‌بی نتانی با صدور بیانیه‌ای این سخن آنتونیو گوترش را دربارهٔ ضرورت جلوگیری از شیوع ویروس نفرت محکوم و تاکید کرد: "ویروس نفرت، از قبل وجود داشته و هیچ نیازی ندارد که بنا به دستور گوترش شیوع پیدا کند."

بی‌بی‌نتانی، ضمن برشمردن نسب شناسی ویروس نفرت خاطر نشان ساخت: "اگر ویروس نفرت قرار است از این به بعد گسترش یابد، پس عامل شکل‌گیری من چیست؟ آیا من پس از این همه کشتار و نفرت‌پراکنی، از سر بته به عمل آمده‌ام؟"

او در پایان، از دبیر کل سازمان ملل خواست فوری از او و تبارش عذرخواهی کند.

ما اس چهارصد می‌خوایم یالله!

عده‌ای از نمایندگان مجلس عراق، اصرار کردند که همین حالا باید از روسیه اس چهارصد خریداری شود.

به گزارش خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین، این نمایندگان گفتند: اس چهارصد را برای زدن هواپیماهای آمریکایی که می‌خواهند به مواضع حشد الشعبی حمله کنند، نیاز دارند، اما تنها مشکلشان چند مورد است که امیدوارند به زودی حل شود.

خبرنگار ما از بغداد، مهمترین این موارد، اجازهٔ کتبی ایالات متحده است که صرفا مرحلهٔ نخست است. دومین مورد، اجازهٔ عملی اسرائیل است. چون ممکن است به رغم اجازهٔ کتبی، اسرائیل مرضش بگیرد و بخواهد آن را بزند. سومین مورد، مشخص کردن نقاطی است که امکان دفاع از آن را دارد، چون اگر هواپیماهای آمریکایی بخواهند نقاط استقرار حشد الشعبی را بزنند، اس چهارصدهای عراق عمرا اجازهٔ زدن آن را داشته باشند.

موضوع بعدی کادر آموزشی آن است که بعد از آموزش باید مشخصا فازشان مشخص شود. چون فاز افسر آموزش دیدهٔ ایرانی که هواپیمای مسافربری را زد، هنوز مشخص نشده است. عراقی‌ها ثابت کرده‌اند در چنین مواردی فازشان از ایرانی‌ها بالاتر است و ممکن در شب قدر، فرشتگان و ارواح را هم بزنند.

به گزارش خبرنگار ما از بغداد، پس از تعیین این موارد، مجلس قانونگزاری عراق وارد شور شده است که اصلا پیشنهاد کنند، یا بی‌خیال اصل و فرعش شوند و با درد خود بسوزند و بسازند.



نشانی‌های خبرگزاری ما روی اینترنت:

خبرگزاری فکاهی ملانصرالدین

MOLLANASRODDIN SATIRE NEWS AGANCY

واقعیت خنده‌دار است!

خبرهای سیاسی | خبرهای اقتصادی، اجتماعی | مجله فکاهی ملانصرالدین | کارتون و کاریکاتور | خبرهای عرکی عرکی | چیز میزهای | دیدگاه | نامه‌های جعلی

چی خبرته با خفه..! آخه مگه درصدا؟ | تو که کشتی منو..!

معنای هشدار مرتباط کرونا با جوراب در می‌شود

شمارهٔ اخیر مجله | برای دانلود روی مجله کلیک کنید

خبرهای سیاسی

افغانستان از هر چی دو تا دارد!

علت بازداشت شاهزادگان سعودی اعلام شد: همکاری با کرونا و ایران

آثار جانبی کرونا..!

نتانیاهو: قصد واردات زغال از سودان داریم

رئیس‌جمهوری عراق، برای تلافی، شهروند آمریکا را نخست وزیر کرد

۱۹ فروردین ۱۳۹۹

آرشیو مجله: شماره‌های پیش

مجلهٔ فکاهی ملانصرالدین، اسفندماه ۹۸

۰۱ فروردین ۱۳۹۹

دیدگاه

هر ماه با دکتر الاغ خرنژاد، کارشناس غیره و ذلک

هر ماه با الاغ خرنژاد | نگاهی به رویدادهای ماه

دیدگاه | ترامپ و سوراخ خلا

هر ماه با دکتر الاغ خرنژاد | راه‌حل مشکل آب‌های آلوده در شمال

سر و ته مقاله | دو کلوم حرف جیز

مجلهٔ فکاهی ملانصرالدین

www.mollanasroddin-magazine.ir http://msn-agancy.ir

http://mollanasroddin-satire-news-agancy.ir

خوشگل الحکایات

اندر نصایح مسیولان

دوش ناصحی از خیل حکومتیان وارسته که از مصاف کرونا جسته و بر هدایت خلق کمر بسته، از خلایق خواست تا بر استر و یابوی خود سوار شده، گاری‌های عامه را وقعی ننهند که اگر چنین نکنند ای بسا، معاذ الله، ایشان را از ناحیت کرونا آسیبی در رسد.

بیت

گفت ما را رازگویی خوش زبان

گاری پر سرنشین این است و آن

گر نداری چهارپایی خوش عنان

خر بود بهتر ز صد گاری، بدان!

ظریفی را از نیوشیدن این سخن خنده آمد و گفت: آن چه را پیل تنان سینه ستبر گردن سترگ را توانی در انجازش نبود، ذره‌ای بر عهده گرفت و آن چه ممنوع بود به عرصهٔ مسموح وارد آورد.

بیت

گفتنت ممنوع باشد هر زمان شرب شراب

لیک باید تن بدان مالیده و مالش دهی

گفتنت مرکوب خود را بسته، با گاری برو

لیک اکنون حکم را شاید که گردن نهی



چنان شده است که حب آن ذره، به دل خلایق نشسته و ریسمان مودت خویش بر او بسته‌اند که آن چه در این چهل سال آرزو می‌کردند، به غمزه‌ای بر ایشان هموار کرده است.

بیت

ای کرونا نیک اندر کار ما اندیشه کن

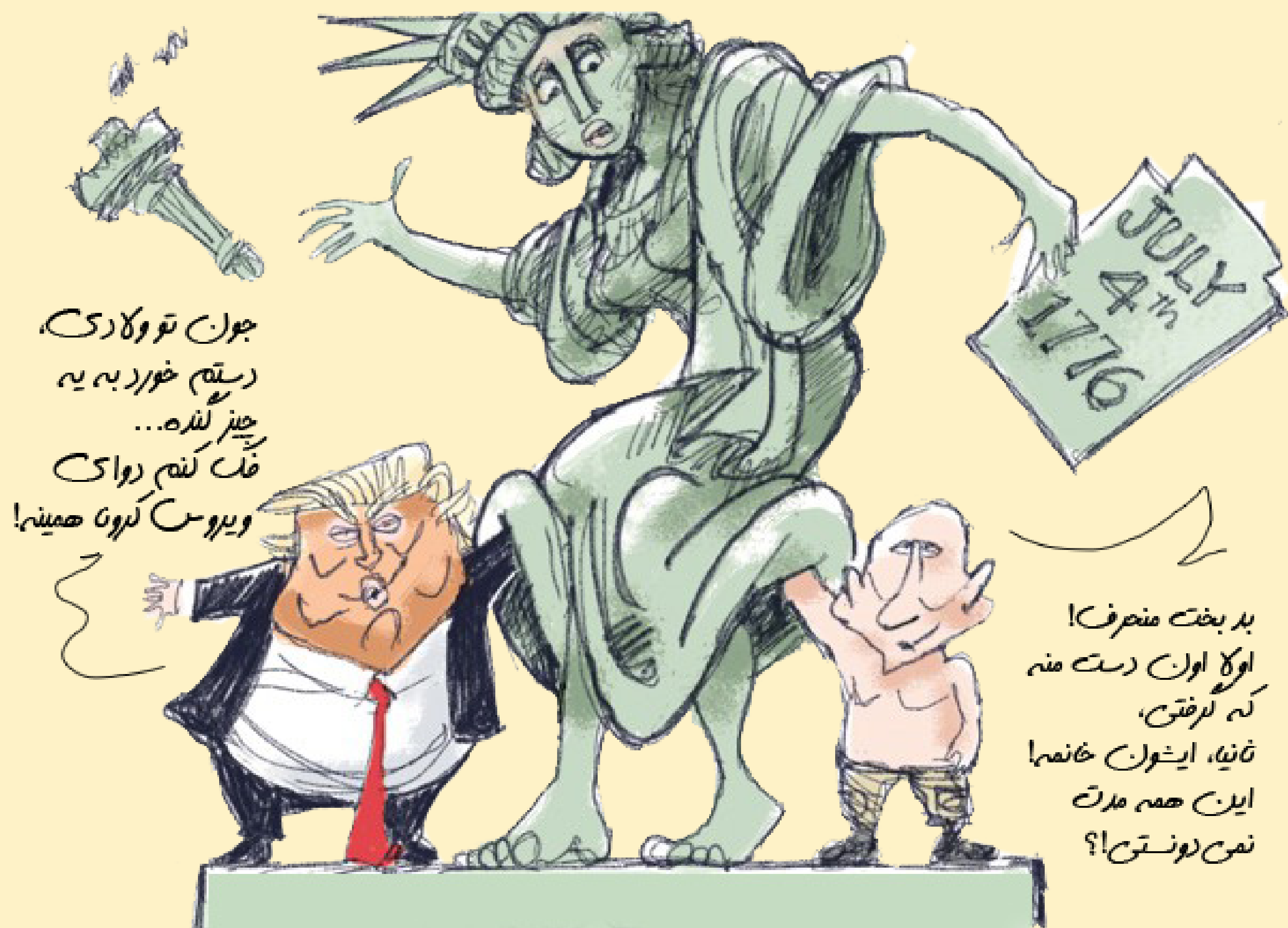
جام ما را پر کن و عشق و صفا را پیشه کن

گر توانی بگسلی هم یک به یک احکام شرع

ریشه‌اش از بن برافکن، جان او در شیشه کن

همان‌دم مرا از این رطب و یابس خنده آمد که این مغ بچگان را چه امیدی بر این ذره است که اگر جان طلبد، جان همه است و گر گرگی را می‌ماند، گرگِ رمه!

اشعرالشعرای یخته دل



شوخی با کارتون پت بگلی، نشریهٔ سالت لیک تریبیون

MOLLANASRODDIN SATIRE MAGAZINE



NO: 18